

حق تشکیل خانواده در پرتو تعامل میان نظام حقوق بین الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران

سیده معصومه علیزاده^۱

سیده الهه علیزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

چکیده

خانواده نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی است که در آن شخصیت انسان شکل می گیرد و ارزش های فرهنگی و اخلاقی جامعه به نسل های آینده منتقل می شود. حق تشکیل خانواده از جمله حقوق بنیادین بشر است که در اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، خانواده بر پایه فقه امامیه و ارزش های اسلامی بنیان نهاده شده و حمایت از آن، وظیفه ای شرعی و قانونی تلقی می شود. در نظام حقوق بین الملل نیز بر اساس اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق ازدواج و تشکیل خانواده، حقی طبیعی و غیرقابل سلب دانسته شده است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، به بررسی مبانی نظری، وجوه اشتراک و افتراق حمایت از حق تشکیل خانواده در دو نظام یادشده می پردازد. نتایج تحقیق نشان می دهد که با وجود تفاوت های مبانی در مفهوم آزادی و تکلیف، ظرفیت هم گرایی میان نظام حقوقی ایران و نظام بین الملل از طریق تفسیر مقاصدی فقه اسلامی، اصل کرامت انسانی و اجتهاد پویا وجود دارد. این هم گرایی می تواند مبنایی برای توسعه حقوق خانواده در چارچوب عدالت جنسیتی اسلامی و ارزش های جهانی حقوق بشر باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، حقوق بشر، فقه اسلامی، ایران، حقوق بین الملل

^۱. عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Dralizadeh0@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناس ارشد حقوق بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

elahehalizadeh146@gmail.com

خانواده در همه نظام‌های اجتماعی و حقوقی، نخستین و بنیادی‌ترین نهاد جامعه تلقی می‌شود؛ نهادی که از یک سو بستر پرورش شخصیت و ارزش‌های اخلاقی انسان است و از سوی دیگر، ضامن پایداری فرهنگی و اجتماعی جوامع به شمار می‌آید. حق برخورداری از تشکیل خانواده نه تنها از حقوق طبیعی انسان است، بلکه در زمره حقوق موضوعه بشر نیز جای دارد و در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها مورد تصریح قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۱).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، ماده شانزدهم مقرر می‌دارد: «مردان و زنان در سن قانونی، بدون هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت یا مذهب، حق دارند با یکدیگر ازدواج کنند و خانواده تشکیل دهند.» این ماده، خانواده را واحد طبیعی و اساسی جامعه دانسته و از دولت‌ها می‌خواهد که حمایت قانونی لازم را از آن به عمل آورند. همچنین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۲۳ همین مضمون را تأیید کرده و بر وظیفه دولت‌ها در حمایت از نهاد خانواده تأکید می‌کند.

مبحث اول: مبانی نظری و حقوقی حق تشکیل خانواده در نظام حقوق بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران

الف) مبانی نظری در نظام بین‌الملل

در اندیشه حقوق بشر معاصر، حق تشکیل خانواده از جمله حقوق ذاتی و غیرقابل سلب انسان محسوب می‌شود که بر اصل کرامت ذاتی بشر استوار است. کرامت انسانی به عنوان مبنای بنیادین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ریشه در مکتب انسان‌مداری (Humanism) دارد و از دیدگاه حقوقی نیز با آموزه‌های حقوق طبیعی ارتباط مستقیم دارد. بر اساس این نگرش، انسان به سبب شأن ذاتی خویش واجد حقوقی است که دولت‌ها تنها موظف به شناسایی و حمایت از آن‌ها هستند (Donnelly, 2013, p.45).

اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR, 1948) در ماده ۱۶، به صراحت از حق ازدواج و تشکیل خانواده یاد کرده و آن را حقی طبیعی و غیرقابل سلب معرفی می‌کند. بند سوم این ماده تصریح می‌کند که: «خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از سوی جامعه و دولت مورد حمایت قرار گیرد.» همچنین، ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966) نیز همین حق را تأکید کرده و می‌گوید: «حق مردان و زنان در سن ازدواج برای تشکیل خانواده به

رسمیت شناخته می‌شود.» این دو سند، شالوده اصلی نظام بین‌المللی حمایت از خانواده را تشکیل می‌دهند (Nowak, 2005, p.212).

در اسناد تخصصی‌تر از جمله کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW, 1979) و کنوانسیون حقوق کودک (CRC, 1989)، بر برابری زن و مرد در امر ازدواج و مسئولیت مشترک والدین نسبت به تربیت فرزندان تأکید شده است. بدین ترتیب، از دیدگاه بین‌المللی، خانواده نه فقط نهادی حقوقی، بلکه زیربنای توسعه انسانی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. در نتیجه، حمایت از حق تشکیل خانواده با حقوقی چون آزادی، برابری و زندگی شرافتمندانه ارتباطی درهم تنیده دارد (Freeman, 2011, p.189).

ب) مبانی فقهی و حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت و الزام حمایت از خانواده بر مبنای الهی بودن این نهاد و نقش آن در تحقق مقاصد شریعت استوار است. از دیدگاه فقه امامیه، ازدواج و تشکیل خانواده نه صرفاً حقی فردی بلکه تکلیفی اخلاقی و شرعی برای حفظ نسل بشر، صیانت از عفت عمومی و تحکیم روابط انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص. ۷۱).

قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛

یعنی، از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما محبت و رحمت برقرار کرد. این آیه مبنای اصلی قداست نهاد خانواده در فقه اسلامی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی به اهمیت خانواده اشاره دارد. اصل دهم، خانواده را «واحد بنیادین جامعه اسلامی» معرفی کرده و دولت را مکلف می‌سازد تا همه قوانین را در جهت تسهیل ازدواج و تحکیم بنیان خانواده تنظیم کند. همچنین، اصل بیستم بر تساوی زن و مرد در حمایت قانونی تأکید می‌کند، هرچند این تساوی در چارچوب موازین اسلامی تفسیر می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۵).

در قوانین عادی نیز، مواد متعددی از قانون مدنی به روابط خانوادگی اختصاص دارد؛ از جمله ماده ۱۰۴۱ که حداقل سن ازدواج را تعیین می‌کند و مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۲۰ که به حقوق و تکالیف متقابل زوجین می‌پردازد. افزون بر این، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز به‌عنوان

یکی از قوانین پیشرو، سازوکارهایی برای استحکام روابط خانوادگی و حل اختلافات زناشویی پیش‌بینی کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۵).

از دیدگاه فقهای امامیه همچون علامه طباطبایی، خانواده «سلول زنده جامعه» است و هرگونه سستی در آن منجر به فروپاشی اخلاقی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران، حمایت از خانواده نه صرفاً بر مبنای آزادی اراده بلکه بر پایه مصالح نوع بشر و اهداف الهی استوار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص. ۲۸۲).

مبحث دوم: تحلیل تطبیقی میان حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران در حمایت از حق تشکیل خانواده

الف) مبانی تفاوت

با وجود پذیرش مشترک حق تشکیل خانواده در هر دو نظام حقوقی، مبانی فلسفی و معرفتی آن‌ها با یکدیگر تفاوت ماهوی دارد. در نظام بین‌الملل، حقوق بشر بر اصل خودمختاری فردی (Autonomy) و برابری جنسیتی (Gender Equality) استوار است. این دو اصل، آزادی انسان را مبنای تصمیم‌گیری درباره ازدواج و تشکیل خانواده قرار می‌دهند. به بیان دیگر، انسان موجودی مستقل و صاحب اختیار است که بدون مداخله بیرونی می‌تواند در خصوص روابط خانوادگی خود تصمیم بگیرد.

در مقابل، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که بر پایه فقه امامیه و اصول شریعت اسلامی بنا شده است، خانواده را نهادی الهی و اجتماعی می‌داند که هدف آن صرفاً تأمین خواسته‌های فردی نیست؛ بلکه تحقق مصالح نوع بشر، حفظ عفت عمومی و استمرار نسل صالح است. در این نگرش، آزادی اراده در ازدواج مطلق نیست و در چارچوب احکام شرع و مصالح اجتماعی معنا می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۴۲).

از همین رو، برخی از مواد اسناد بین‌المللی مانند بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) که بر تساوی مطلق زن و مرد در امر ازدواج و روابط خانوادگی تأکید دارد، از دیدگاه فقه اسلامی با ملاحظات خاصی تفسیر می‌شود. در فقه امامیه، هرچند کرامت انسانی زن و مرد برابر دانسته شده است، اما به دلیل تفاوت در نقش‌ها، مسئولیت‌ها و توانایی‌های طبیعی، تساوی حقوقی مطلق میان آنان پذیرفته نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص. ۷۵).

به طور کلی، اختلاف در تلقی از مفهوم «آزادی» و «تکلیف» ریشه اصلی تفاوت میان دو نظام است. در نظام بین الملل، محور تحلیل فرد و خواسته های اوست، در حالی که در نظام اسلامی، محور خانواده و غایت الهی از زندگی جمعی است.

ب) نقاط اشتراک

با وجود تفاوت های یادشده، هر دو نظام حقوقی در هدف غایی یعنی حمایت از نهاد خانواده و تأمین سعادت اعضای آن اشتراک دارند. در هر دو دیدگاه، خانواده واحد بنیادین جامعه، محل پرورش اخلاق، و بستر رشد نسل آینده محسوب می شود.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی، همانند آموزه های اسلامی، بر ضرورت حمایت قانونی و اجتماعی از خانواده، لزوم تأمین رفاه مادی و معنوی اعضا، و تربیت صحیح فرزندان تأکید شده است (Freeman, 2011, p.191).

افزون بر این، در تفسیرهای جدید از فقه اسلامی، به ویژه با بهره گیری از نظریه اجتهاد پویا که امام خمینی (ره) و برخی فقهای معاصر مطرح کرده اند، ظرفیت های قابل توجهی برای هم گرایی میان اصول اسلامی و معیارهای جهانی حقوق بشر مشاهده می شود. اجتهاد پویا به فقیه اجازه می دهد تا با توجه به شرایط زمان و مکان، احکام فقهی را به گونه ای تفسیر کند که پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر باشد، بی آن که به مبانی شریعت آسیب وارد شود (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۰).

از این منظر، اسلام می تواند با حفظ چارچوب الهی خود، در قالب گفتمان جهانی حقوق بشر مشارکت کند و برداشت های منطبق تری از حق تشکیل خانواده ارائه دهد.

ج) راهکارهای تطبیقی

برای نزدیک سازی دو نظام حقوقی در زمینه حمایت از نهاد خانواده، اتخاذ رویکردی تفسیری و مبتنی بر گفت و گو ضروری است. در این راستا، سه محور اساسی قابل توجه است:

۱. تفسیر مقاصدی از فقه اسلامی:

مقاصد شریعت (Maqasid al-Sharia) همچون حفظ نسل، عقل، دین و کرامت انسان، می تواند به عنوان مبنای مشترک میان نظام اسلامی و نظام بین المللی در حمایت از خانواده به کار رود.

۲. بازنگری در سیاست های حقوقی و اجتماعی:

قوانین داخلی باید به گونه ای تنظیم شوند که ضمن رعایت موازین شرعی، عدالت جنسیتی واقعی را تحقق بخشند؛ یعنی تناسب میان حقوق و تکالیف بر اساس فطرت و مصالح انسانی برقرار شود، نه صرفاً تساوی صوری.

۳. گفت و گوی فرهنگی و حقوقی میان نظام‌ها:

برقراری ارتباط علمی و پژوهشی میان اندیشمندان اسلامی و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، می‌تواند زمینه‌ساز تبادل مفاهیم و کاهش سوء تفاهم‌های فرهنگی در حوزه حقوق خانواده باشد (An-Na'im, 2008, p.98).

در مجموع، تقابل میان نظام بین‌المللی و نظام اسلامی در حوزه خانواده، ماهوی نیست بلکه معرفتی است. با بهره‌گیری از رویکرد تأویلی و تعامل‌محور، می‌توان قرائتی سازگار از حق تشکیل خانواده ارائه کرد که هم با اصول اسلامی هماهنگ باشد و هم با روح حاکم بر اسناد بین‌المللی تعارضی نداشته باشد.

مبحث سوم: راهکارها و پیشنهادهای هم‌گرایی میان دو نظام حقوقی

الف) بازنگری تفسیری در حقوق داخلی

یکی از نخستین گام‌ها برای هم‌گرایی میان نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و نظام حقوق بین‌الملل، بازنگری در شیوه تفسیر متون حقوقی داخلی بر اساس مقاصد شریعت و اصول قانون اساسی است. اصل دهم قانون اساسی، خانواده را واحد بنیادین جامعه معرفی کرده و دولت را مکلف می‌سازد که همه برنامه‌ها و قوانین را در جهت تسهیل ازدواج و تحکیم بنیان خانواده تنظیم کند. این اصل می‌تواند مبنایی برای توسعه حقوق خانواده در پرتو عدالت اسلامی و نیز هماهنگی با معیارهای بین‌المللی باشد (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۳).

در فقه امامیه نیز، مقاصد کلان شریعت همچون حفظ نسل، کرامت انسان و تحقق عدالت اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، تفسیر پویا از احکام مربوط به ازدواج، طلاق و حقوق زوجین باید در پرتو همین مقاصد صورت گیرد، نه صرفاً بر پایه ظواهر تاریخی. چنین رویکردی می‌تواند زمینه انطباق میان فقه اسلامی و اصول حقوق بشر بین‌الملل را فراهم سازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۲).

ب) تدوین سیاست‌های حمایتی بر مبنای عدالت جنسیتی

تحقق عدالت جنسیتی واقعی، نه در تساوی صوری حقوق زن و مرد، بلکه در برقراری تناسب میان وظایف و حقوق آنان بر پایه فطرت انسانی و مصالح خانواده است. از این منظر، قانون گذار ایرانی می تواند با بازنگری در برخی مقررات از جمله مهریه، ولایت قهری، حضانت، و اشتغال زنان، ضمن حفظ مبانی شرعی، پاسخگوی نیازهای اجتماعی معاصر باشد (مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۵۵).

ایجاد دادگاه های تخصصی خانواده با رویکرد ترمیمی و مشورتی، و حضور مشاوران اجتماعی و دینی در فرآیند دادرسی، از دیگر راهکارهای مؤثر برای تحکیم روابط خانوادگی و پیشگیری از طلاق است. چنین سیاستی با مفاد ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز هماهنگ است که دولت ها را مکلف به حمایت از نهاد خانواده می داند.

به علاوه، سیاست گذاری اجتماعی در جهت تسهیل ازدواج، حمایت مالی از زوج های جوان، و گسترش آموزش های خانواده محور می تواند پیوند میان ارزش های اسلامی و اصول توسعه انسانی را تقویت کند.

ج) گسترش تعاملات علمی و دیپلماتیک

از دیگر راهکارهای مؤثر برای نزدیک سازی دو نظام، توسعه همکاری های علمی، پژوهشی و دیپلماتیک میان نهادهای داخلی و بین المللی در حوزه حقوق خانواده و حقوق بشر است. دانشگاه ها و مراکز پژوهشی ایران می توانند با مشارکت در پروژه های بین المللی و همایش های تخصصی، دیدگاه اسلامی درباره خانواده را به عنوان الگویی اخلاق محور و انسان مدار معرفی کنند (An-Na'im, 2008, p.104).

تبیین «الگوی بومی حقوق خانواده اسلامی- ایرانی» بر پایه تعامل، نه تقابل، می تواند به اصلاح گفتمان جهانی در حوزه حقوق خانواده کمک کند. چنین الگویی، ضمن حفظ هویت دینی و فرهنگی جامعه ایران، ظرفیت تأثیرگذاری مثبت بر نهادهای بین المللی را نیز فراهم می آورد.

د) نتیجه گیری تحلیلی مبحث

در جمع بندی، باید گفت که حق تشکیل خانواده مفهومی دو وجهی است: از یک سو ریشه در طبیعت و کرامت انسان دارد و از سوی دیگر، در بستر فرهنگی و دینی هر جامعه تفسیر می شود. بنابراین، هم گرایی میان نظام بین الملل و نظام حقوقی ایران نه از طریق تقلید از الگوهای غربی، بلکه با بازتفسیر مفاهیم اسلامی در پرتو اصول جهانی کرامت انسان تحقق می یابد.

تکیه بر مقاصد شریعت، اصل کرامت انسانی، و عدالت جنسیتی واقعی می تواند مبنایی برای شکل گیری گفت و گویی سازنده میان دو نظام فراهم کند؛ گفت و گویی که ضمن حفظ مبانی

شریعت، ارزش‌های جهانی حقوق بشر را نیز به رسمیت بشناسد و از آن برای تقویت نهاد خانواده بهره گیرد.

نتیجه‌گیری

حق تشکیل خانواده از بنیادی‌ترین حقوق انسانی است که در تمامی نظام‌های حقوقی با رویکردهای متفاوت مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. در نظام حقوق بین‌الملل، این حق بر پایه آزادی اراده فردی، برابری جنسیتی و کرامت ذاتی انسان استوار است و دولت‌ها مکلف‌اند شرایط تحقق آن را بدون تبعیض فراهم کنند. در مقابل، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، خانواده نهادی الهی و اجتماعی است که غایت آن تحقق آرامش، مودت و تربیت نسل صالح است؛ ازاین‌رو، آزادی اراده در تشکیل خانواده در چارچوب احکام شرعی و مصالح عمومی تفسیر می‌شود.

با وجود تفاوت‌های فلسفی و معرفتی در مبانی دو نظام، هر دو در هدف غایی یعنی حمایت از نهاد خانواده، حفظ کرامت اعضا و پایداری اجتماعی اشتراک دارند. راه دستیابی به هم‌گرایی میان این دو نظام، در تفسیر عقلانی و مقاصدی از فقه اسلامی، اصلاح تدریجی قوانین داخلی بر پایه عدالت جنسیتی واقعی و گسترش گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی با نهادهای بین‌المللی نهفته است.

چنین رویکردی، نه تنها موجب ارتقای سطح حمایت از نهاد خانواده در نظام حقوقی ایران می‌شود، بلکه الگوی بومی و اخلاق‌محور جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی به‌عنوان نمونه‌ای از تعامل میان ارزش‌های دینی و حقوق بشر معرفی خواهد کرد.

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۵، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۲. حسینی، سیدمصطفی، ۱۳۹۰، «بررسی تطبیقی حقوق خانواده در اسلام و حقوق بشر بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۳۲.
۳. حبیبی، محمد، ۱۳۹۲، حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۴. هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: میزان.
۵. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، الأنوار فی فقه الأسرة، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.

۸. نوری، عبدالکریم، ۱۳۹۷، «تحلیل مبانی فقهی حمایت از خانواده در حقوق ایران»، مجله دانش حقوقی، سال ۹، شماره ۲.

۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۴، حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش.

۱۰. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، حقوق خانواده، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

منابع لاتین

1.An-Na'im, A. A., 2008, Islam and the Secular State: Negotiating the Future of Shari'a, Harvard University Press, Cambridge.

2.Donnely, J., 2013, Universal Human Rights in Theory and Practice, Cornell University Press, Ithaca.

3.Freeman, M., 2011, Human Rights: An Interdisciplinary Approach, Polity Press, London.

4.Nowak, M., 2005, U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary, 2nd ed., N.P. Engel, Strasbourg.

5.United Nations, 1948, Universal Declaration of Human Rights.

6.United Nations, 1966, International Covenant on Civil and Political Rights.

7.United Nations, 1979, Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW).

8.United Nations, 1989, Convention on the Rights of the Child (CRC).